

## فهرست مطالب

۹ .....	سخن ناشر.....
۱۱ .....	مقدمه: انقلاب اسلامی ایران و قدرت نرم / دکتر محمد باقر خرمشاهد.....
۲۳ .....	دیباچه.....
<b>فصل اول: چارچوب مفهومی-نظری</b>	
۲۹ .....	کلیات .....
۲۹ .....	۱. مفاهیم .....
۲۹ .....	۱-۱. قدرت .....
۳۴ .....	۱-۲. نفوذ .....
۳۵ .....	۱-۳. قدرت نرم .....
۴۲ .....	۲. تبارشناصی .....
۴۶ .....	۳. چارچوب نظری .....
۴۶ .....	۳-۱. نظریه سه بعدی قدرت نرم .....
۴۷ .....	۳-۱-۱. فرهنگ .....
۵۶ .....	۳-۱-۲. اقتصاد .....
۵۹ .....	۳-۱-۳. سیاست .....
۶۰ .....	۲-۱. نظریه دیپلماسی عمومی .....
۶۳ .....	۲-۲-۱. ارتباطات روزانه .....
۶۴ .....	۲-۲-۲. ارتباطات استراتژیک .....

## ۶ ■ قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران

۶۵ .....	۳-۲-۳. گسترش روابط پایدار با افراد کلیدی
۷۱ .....	۴. نسبت سنجی قدرت نرم و سایر مفاهیم اصلی
۷۱ .....	۴-۱. اطلاعات وقدرت نرم
۷۵ .....	۴-۲. قدرت سخت وقدرت نرم
۸۵ .....	۵. دیدگاهها و رویکردها
۸۶ .....	۵-۱. مخالفان
۹۰ .....	۵-۲. موافقان و حامیان
۹۵ .....	۵-۳. اصلاح گرایان
۹۶ .....	جمع بندی
۹۸ .....	پی نوشت‌ها

## فصل دوم: ابعاد قدرت نرم ایران

۱۰۷ .....	کلیات
۱۰۸ .....	۱-۱. سیاسی
۱۱۰ .....	۱-۱-۱. جهان شمولی انقلاب اسلامی
۱۱۳ .....	۱-۱-۲. رسالت‌های جهانی انقلاب اسلامی
۱۲۳ .....	۱-۲-۱. اصول سیاست خارجی انقلاب اسلامی
۱۲۶ .....	۱-۲-۴. انکا به مردم در حل مشکلات اساسی
۱۲۷ .....	۱-۲-۵. اقتدار مجلس و حق نظارت در عموم مسایل کشور
۱۲۸ .....	۱-۲-۶. ایجاد زمینه‌های وحدت بین شیعه و سنّی
۱۲۹ .....	۱-۲-۷. نظارت و کنترل واقعی مجلس بر قوه مجریه
۱۳۰ .....	۱-۲-۸. جایگاه ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک ایران
۱۳۴ .....	۱-۲-۹. تلاش در جهت ایجاد وحدت و همبستگی میان امت اسلامی
۱۳۶ .....	۱-۲-۱۰. نقش امام خمینی % در روند ایدئولوژیک شدن تشیع
۱۳۸ .....	۱-۲-۱۱. قدرت و عزت یافتن ایران در جهان و منطقه
۱۴۰ .....	۱-۲-۱۲. بیداری ملت‌های مسلمان و مظلوم جهان
۱۴۲ .....	۱-۲-۱۳. تلاش جهت اسلامی و جهانی کردن مبارزه با اسرائیل

۱۴۳	۱۴-۱-۲. گسترش همکاری ایران با سازمان‌های بین‌المللی
۱۴۹	۱۵-۱-۲. نقش ایران در حل و فصل بحرانهای منطقه‌ای
۱۵۱	۱۶-۱-۲. تأثیرپذیری جنبش‌های اسلامی از انقلاب اسلامی
۱۵۶	۱-۳. فرهنگ
۱۵۹	۱-۱-۳. رویکرد جهانگرایانه
۱۶۱	۲-۱-۳. فرهنگ ایرانی، آموزش پذیر فرهنگ‌های برتر و آموزش دهنده فرهنگ‌های پست‌تر
۱۶۱	۳-۱-۳. توجه به خدا و آیین‌های مذهبی
۱۷۰	۳-۴. زبان فارسی
۱۷۱	۳-۵. ادبیات
۱۷۲	۳-۶. دین و نظام اعتقادی
۱۸۲	۳-۷. تأثیرپذیری جنبش‌های اسلامی از انقلاب اسلامی
۱۸۶	۳-۸. هنرها و طریقه و معماری
۱۸۷	۳-۹. جایگاه علمی ایران در جهان
۱۹۰	۳-۱۰. جاذبه‌های توریستی
۱۹۱	۴-۱. اقتصاد
۱۹۲	۴-۱-۱. توسعه اقتصادی
۱۹۴	۴-۱-۲. وضعیت اقتصاد کنونی ایران
۲۱۱	جمع بنده
۲۱۳	پی‌نوشت‌ها

### فصل سوم: مطالعه موردی لبنان

۲۲۳	کلیات
۲۲۴	۱-۱. آشنایی با لبنان
۲۲۴	۳-۱-۱. ادیان و مذاهب
۲۲۴	۳-۱-۲. اهمیت استراتژیک لبنان در منطقه
۲۲۶	۳-۱-۳. تاریخ سیاسی
۲۲۷	

## ■ ۸ قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران

۲۲۸	۲-۳. ابعاد قدرت نرم ایران در لبنان
۲۲۸	۱-۲-۳. فرهنگ
۲۴۹	۲-۲-۳. اقتصاد
۲۵۸	۳-۲-۳. سیاست
۳۲۹	۳-۳. پیامدهای منفی و پیامدهای مثبت قدرت نرم ایران
۳۲۹	۳-۳-۱. پیامدهای منفی
۳۳۵	۳-۳-۲. پیامدهای مثبت
۳۴۳	۳-۴. جمع بندی
۳۴۴	۳-۵. نتیجه گیری
۳۵۷	پی نوشت‌ها
۴۰۹	منابع فارسی
۴۱۶	منابع عربی
۴۱۷	منابع انگلیسی
۴۱۸	منابع اینترنتی
۴۱۸	مجلات و روزنامه‌ها

## سخن ناشر

اگرچه طرح مفهوم و نظریه «قدرت نرم» موج جدیدی از مطالعات را در عرصه‌های سیاست داخلی و خارجی پدید آورد که در نتیجه آن الگوی تازه‌ای از سیاست عملی پدید آمد؛ نمی‌توان منکر این واقعیت شد که شرایط محیطی و مقتضیات فکری – اندیشه‌ای در حوزه‌های مختلف مانع از آن می‌شود که بتوان نسبت به گرته برداری از این مفهوم اقدام نمود. به عبارت دیگر اتخاذ رویکردی بومی در بحث قدرت نرم، دارای اولویت و اهمیت می‌باشد و این امر به خاطر ظرفیت‌های منحصر به فرد این مفهوم جهت انکاس دیدگاهی ایرانی – اسلامی است که تاکنون و از سوی پژوهشگران مختلف بدان توجه داده شده است.

دانشگاه امام صادق + در راستای توسعه ادبیات بومی در زمینه «قدرت نرم» دو محور اصلی را در دستور کار خود داشته است که عبارتند از:  
اول. موضوع شناسی با هدف اصلاح و تکمیل تصویر علمی از قدرت نرم در جامعه ایرانی.

دوم. تحلیل و تولید نظریه‌های بومی در زمینه قدرت نرم.  
در محور نخست، ترجمه متون مرجع و اصلی را پی‌گیری نموده که در نتیجه آن تا کنون منابع مهمی چون «قدرت نرم» جوزف نای، و «دیپلماسی عمومی و قدرت نرم» اثر میلسن، ترجمه و منتشر شده است.

در محور دوم، پژوهش‌های موردی‌ای را تعریف و به اجرا گذارده که در نتیجه آن آثاری چون «قدرت نرم و سرمایه اجتماعی» و یا «قدرت نرم، فرهنگ و امنیت» تحقیق و منتشر شده‌اند.

اثر حاضر از جمله آثاری است که در قالب راهبرد کلان معاونت پژوهشی دانشگاه، و با هدف توسعه ادبیات نظری، تعمیق بینش تخصصی از قدرت نرم و زمینه سازی برای استقرار و تقویت دیدگاه بومی تهیه و منتشر شده است. ناشر ضمن تشکر از تمام افرادی که در تولید این اثر مشارکت داشته‌اند، امیدوار است که این کتاب نیز همچون آثار قبلی مورد توجه و استقبال جامعه علمی- اجرایی قرار گرفته و افزون بر آثار مبارک علمی، شاهد راه‌گشایی آن در حوزه اجرایی نیز باشیم. در این راستا، دانشگاه امام صادق + همچون قبل آمادگی خود را برای دریافت و نشر آثار تکمیلی و اصلاحی اعلام می‌دارد.

### معاونت پژوهشی

## مقدمه

### انقلاب اسلامی ایران و قدرت نرم

چه رابطه یا نسبتی بین "انقلاب اسلامی ایران" و "قدرت نرم" می‌تواند برقرار باشد؟ این از اصلی ترین سؤالهایی است که از عنوان فوق به ذهن ها متبار می‌شود. سؤالی که با سؤالهای دیگری همراه می‌شود، سؤالهایی نظیر اینکه: آیا می‌توان ادعا کرد که انقلاب اسلامی ایران دارای قدرت نرم است؟ (با توجه به اینکه پدیده انقلاب اسلامی ایران متولد سال های ۱۳۵۶-۷۹ (۱۹۷۸-۷۹) و مفهوم قدرت نرم زاده سالهای پس از فروپاشی شوروی (دهه ۱۹۹۰) و خصوصاً یک دهه اخیر (۲۰۰۹-۲۰۰۰) می‌باشد).

لازمه پاسخ در خور و شایسته به سؤال کانونی این بحث، غور در معنا و مفهوم دو متغیر اصلی این نوشتار، یعنی "قدرت نرم" و "انقلاب اسلامی ایران"، می‌باشد. البته شاید بهتر باشد که به جای پرداختن به نسبت یا رابطه انقلاب اسلامی ایران و قدرت نرم، نخست به رابطه انقلاب یا انقلابهای بزرگ با قدرت نرم پرداخته شود. به عبارت دیگر نخست به این سؤال پاسخ داده شود که آیا بین انقلاب و قدرت نرم نسبت و رابطه‌ای وجود دارد؟ آیا می‌توان انقلاب‌ها را حاوی و دربردارنده قدرت نرم دانست؟ یا حداقل، آیا می‌توان از قدرت نرم انقلاب‌های بزرگ سخن گفت؟

در تعریف قدرت نرم آمده است که اگر قدرت به معنای "توانایی نفوذ در رفتار دیگران برای گرفتن نتیجه مطلوب" تعریف شود،<sup>۱</sup> قدرت نرم توانایی به دست آوردن خواسته‌ها و اثرگذاری بر رفتار دیگران<sup>۲</sup> از طریق مجنوب کردن به جای اجبار، تهدید و تشویق<sup>۳</sup> (قدرت سخت) است. قدرت نرم بر "جزایت و کشش"<sup>۴</sup> مبتنی است، که "از طریق جذایت‌های فرهنگی، ایده‌های سیاسی و سیاست‌ها صورت می‌گیرد."<sup>۵</sup> به نظر جوزف نای "اساس قدرت نرم بر ارزش‌ها نهاده شده است"<sup>۶</sup> و عامل فرهنگ یکی از منابع مهم قدرت نرم به حساب می‌آید.<sup>۷</sup> در توصیفی دیگر گفته می‌شود که بازترین نمونه قدرت نرم در سطح خرد و شخصی، تصویری است که ماکس وبر، جامعه شناس شهر آلمانی از نفوذ و اقتدار بلامنازع شخصیت‌های بزرگ و چهره‌های متند و کاریزما به دست داده است،<sup>۸</sup> همانطوریکه "کاتولیک‌ها نه به خاطر تهید، بلکه به خاطر احترام به پاپ، تعلیمات او را عمل می‌کنند."<sup>۹</sup> دیپلomatic عمومی از دیگر منابع قدرت نرم به شمار می‌رود که "هدف آن جذب قلوب و افکار مردم کشورهای دیگر و رهبران است. و نه لزوماً دولتمردان و سیاستمداران آنها".<sup>۱۰</sup> از عوامل دیگری که در تولید و ایجاد قدرت نرم بسیار موثر است، "ایدئولوژی"<sup>۱۱</sup> و "مذهب"<sup>۱۲</sup> می‌باشد. از ویژگی‌های بارز قدرت نرم "مردمی بودن و غیر رسمی بودن آن است"<sup>۱۳</sup>، شاید به همین دلیل باشد که "از عمق و تأثیر بسیار بیشتری برخوردار است"<sup>۱۴</sup>، چراکه بر "اعتماد"<sup>۱۵</sup> و کسب هر چه بیشتر آن بنا شده است. کلیه موارد فوق الذکر، آنی است که در انقلاب‌ها، خصوصاً انقلاب‌های بزرگ، آشکارا و به وفور یافت می‌شود. اساساً قدرت نرم بزرگ‌ترین سرمایه انقلابیون و انقلاب‌های است. شاید به همین دلیل باشد که نای به قدرت نرم انقلاب فرانسه اشاره کرده و می‌گوید: «فرانسه در قرن ۱۷ و ۱۸ تلاش فراوانی نمود که از قدرت نرم خود (ترویج و گسترش فرهنگ ایدئولوژی) بهره برداری کند».<sup>۱۶</sup> انقلاب‌ها دارای قدرت نرم فوق العاده‌ای هستند چون قدرت نرم آنها

"در چیزی بیش از ترغیب و یا توانایی تهییج مردم"<sup>۱۶</sup> نهفته است. قدرت نرم انقلاب‌ها" بیش از وادار ساختن یا توانایی به تحرک درآوردن مردم با استدلال است، بلکه توانایی جذب مردم به گونه‌ای است که اغلب منجر به رضایت و تسلیم شدن آنها می‌شود.<sup>۱۷</sup>

اساساً آزمایشگاهی که در آن می‌توان چگونگی غلبه قدرت نرم بر قدرت سخت را به نظره نشست، در صحنه انقلاب‌ها اتفاق می‌افتد، به قول نای «در بعضی مواقع آنهایی که مدیریتی بر عهده دارند، نیرویی تحت فرمان دارند و یا سرمایه‌ای در اختیار دارند، قدرتمندترین افراد محسوب نمی‌شوند. اینجاست که انقلاب‌ها معنی می‌یابند». <sup>۱۸</sup> در انقلاب‌ها قدرت نرم انقلاییون بر قدرت سخت رژیم‌های مستقر غلبه یافته و مستولی می‌شود.

به این ترتیب مشاهده می‌شود که چگونه انقلاب‌ها، خصوصاً انقلاب‌های بزرگی نظیر انقلاب فرانسه، انقلاب روسیه، انقلاب چین و انقلاب اسلامی ایران، تابلوی تمام نمای قدرت نرم هستند. انقلاب‌های بزرگ در برابر قدرت سخت خیره کننده رژیم‌های مستقر و قدرت‌های بزرگ حامی آن، که با اجبار و تهدید و تشویق سعی در حفظ وضع موجود دارند، سرمایه و قدرتی جز اقناع و جلب و جذب قلوب مردم خود و مردم کشورهای دیگر<sup>۱۹</sup>، اعتماد آنها، افکار عمومی<sup>۲۰</sup> آنها و رهبران تأثیرگذار آنها ندارند. قدرت انقلاب‌ها، قدرتی "مردمی و غیر رسمی" است که ریشه در ایدئولوژی انقلاب، دیپلماسی عمومی فوق العاده انقلاب، کاریزماتی رهبر یا رهبران انقلاب، ارزش‌های بنیادین انقلاب، ایده‌های بدیع و نو انقلاب و توانمندی‌ها و ظرفیت‌های فرهنگی آن است. با این‌هاست که انقلاب‌ها به "کترول و مهار مؤثر دیگران"<sup>۲۱</sup> مبادرت می‌ورزند. با این‌هاست که انقلاب‌ها در "چشم دیگران مشروعیت" می‌یابند و با "جذب و اقناع سایرین"<sup>۲۲</sup> به اهداف خود نایل می‌آیند. به عبارت دیگر تنها قدرت انقلاییون در برابر قدرت رسمی، گسترده و سخت نظامهای مستقر، قدرت نرم آنهاست، با این

قدرت است که آنها نه تنها بر قدرت سخت منکوب کننده رژیم‌های پیشین غلبه می‌کنند، بلکه توطئه‌های پیچیده و نفس‌گیر قدرت‌های بزرگ حامی ضد انقلاب را ختی کرده و حتی از امتحان سخت جنگ‌های تحملی انقلابی که از سوی ائتلافی بین المللی علیه آنها صورت می‌گیرد، موفق و پیروز بیرون می‌آیند. نگاهی به تاریخ انقلاب‌های فرانسه، روسیه، چین و انقلاب اسلامی ایران گواه آشکاری بر این مدعاست.

اساساً پدیده "صدور انقلاب"<sup>۴</sup> در انقلاب‌های بزرگ با پشتونه قدرت نرم انقلاب‌ها اتفاق می‌افتد. انقلاب‌ها در زمان وقوع و سال‌های نخستین پس از آن که اوج پدیده صدور انقلاب محسوب می‌شود، از کمترین سطح قدرت سخت برخوردارند، به همین جهت انقلاب‌ها نمی‌توانند با پشتونه قدرت سخت نداشته خود اقدام به صدور انقلاب نمایند. صدور انقلاب بر بال‌های توانمند قدرت نرم انقلاب‌ها اتفاق می‌افتد. شاید در تعییری بهتر بتوان گفت که انقلاب‌های بزرگ با پشتونه قدرت نرم عظیم‌خود صادر نمی‌شوند بلکه بازتاب<sup>۵</sup> می‌یابند.

به این ترتیب مشاهده می‌شود که چگونه انقلاب‌ها دارای قدرت نرم فوق العاده‌ای هستند. اساساً تنها قدرت و تنها سرمایه انقلاب‌ها در برابر قدرت سخت شگفت و هنگفت رژیم‌های پیشین، در قدرت نرم آنها نهفته است. انقلاب‌ها به خوبی نسبت یا رابطه قدرت نرم و قدرت سخت<sup>۶</sup> از یکسو و این که چگونه "قدرت نرم بیشتر از نیروهای اجتماعی بیرون از کنترل دولت تشکیل می‌شود"<sup>۷</sup> و "توسط مردم اعمال می‌گردد"<sup>۸</sup> را نشان می‌دهد. انقلاب به خوبی نشان می‌دهد که «هر چند قدرت نرم و سخت در هم تبیه‌اند، ولی قدرت نرم به قدرت سخت وابسته نیست». <sup>۹</sup> در انقلاب‌ها قدرت نرم، بدون نیاز به قدرت سخت و بدون بهره‌مندی از آن، بر قدرت سخت دولتها، حکومتها و نظامهای قدرتمند مستقر چیره شده و پیروز می‌گردد.

قدرت نرم انقلاب اسلامی ایران نیز همچون سایر انقلاب‌های بزرگ امری انکار ناپذیر و قطعی است. اگر عامل فرهنگ، یکی از مهم‌ترین منابع قدرت نرم محسوب می‌شود، اساساً انقلاب اسلامی ایران، به حق به این شهرت یافته است که انقلابی فرهنگی یعنی انقلابی مبتنی بر فرهنگ و برای فرهنگ بوده است. در انقلاب اسلامی ایران، آنچه که بیش از هر چیز دیگر نمود یافته و شهرتی جهانی یافت، ابعاد فرهنگی خالص این انقلاب بوده است. اگر مذهب از عوامل تعیین کننده در ایجاد قدرت نرم به شمار می‌آید. انقلاب اسلامی ایران، انقلابی مبتنی بر دین اسلام و مذهب تشیع بوده است که بدان قدرت نفوذ و اثرگذاری در میان حداقل یک میلیارد مسلمان سی سال پیش را داشته است. اگر ایدئولوژی از دیگر بنیادهای قدرت نرم به حساب می‌آید، ایدئولوژی اسلامی انقلاب ایران دارای قدرت فوق العاده‌ای در جلب و جذب مسلمانان و حتی غیر مسلمانان با پیام معنویت‌گرایی و اخلاق‌گرایی خود بوده است. اگر گفته می‌شود که "از جمله مظاهر قدرت نرم، توأم ساختن دیپلماسی با اخلاق است"<sup>۳۰</sup>، انقلاب اسلامی ایران منادی بازگرداندن اخلاق و معنویت به سیاست<sup>۳۱</sup> بوده و در سخت‌ترین شرایط جنگ هشت ساله تحمیلی عراق بر جمهوری اسلامی، پای‌بندی و پایداری خود در ارائه یک دیپلماسی عمومی متصف به اخلاق را نشان داده است. اگر قدرت مبتنی بر کاریزما از مصادیق بارز قدرت نرم محسوب می‌شود، کاریزماهی چند جانبه و چند بعدی رهبر انقلاب اسلامی ایران، یعنی امام خمینی(ره)، که سلطه‌ی مبتنی بر اعتمادی بی‌چون و چرا را برای او رقم زده بود، بر کسی پوشیده نیست. قدرت نرم امام خمینی(ره) نه تنها گستره ایران اسلامی را در بر می‌گرفت، بلکه در جهان اسلام و نیز به قول خود او در کل جهان مستضعفین، دارای برد و تأثیری عمیق و گسترده بود. اگر اتحاد شوروی به دلیل حمایت از کشورهای جهان سوم، مقاومت در برابر هیتلر، حمایت از احزاب کمونیست در سایر کشورها و ... سطح قابل توجهی از قدرت

نرم را برای خود فراهم آورده بود،<sup>۳۲</sup> انقلاب اسلامی ایران نیز با حمایت از مستضعفین، مقاومت در برابر استکبار غربی، آمریکایی و صهیونیستی و نیز با حمایت از نهضت‌های رهایی‌بخش، جنبش‌های اسلامی و اسلام سیاسی توانسته است قدرت نرم قابل توجه و تعیین کننده‌ای را برای خود فراهم سازد. خصوصاً اینکه به قول نای، در جهان امروز «جنبش‌های مذهبی سازمان یافته نیز مانند کلیسای کاتولیک رم از جمله بازیگران عرصه قدرت نرم هستند».<sup>۳۳</sup>

از میان عوامل دیگری که به اعتقاد نای باعث تقویت قدرت نرم می‌شوند، تعداد قابل توجهی در انقلاب اسلامی ایران موجود بوده و جمهوری اسلامی ایران از آن به خوبی بهره‌مند است، عواملی نظیر: موقعیت ایدئولوژیک، مناسبات و مبادلات فرهنگی، تبلیغ آرمان‌ها، ارزش‌ها و اهداف متعالی، ترویج زبان و ادبیات، کسب جایگاه و موقعیت علمی پیشرفته و فناوری‌های تکنولوژیک، قدرت نظامی و تسليحاتی (به عنوان هاله‌ای از توانمندی و اقتدار بالقوه برای رویارویی با بحران‌های محتمل)، ایفای رسالت تاریخی مناسب با موقعیت جهانی و سطح انتظار در شرایط مختلف، برخورد مناسب و اتخاذ مواضع مقبول در برخورد با بحران‌های بین‌المللی، توان رویارویی سریع و در خور در برخورد با توطئه‌ها و تهدیدات تضعیف کننده داخلی و خارجی، قدرت خشی سازی تبلیغات مسموم و...<sup>۳۴</sup> اینها در افرون شدن به مؤلفه‌های پیش گفته قدرت نرم موجود در انقلاب اسلامی، جمهوری اسلامی ایران را از قدرت نرم قابل توجهی برخوردار ساخته‌اند.

از میان مجموعه عوامل دیگری نیز که در شکل‌گیری قدرت - اعم از نرم و سخت آن- مؤثر هستند، تعداد قابل توجهی از آنها در اختیار انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی ایران قرار دارد، عواملی همچون وضعیت جغرافیایی خوب (شامل آب و هوا، نوع زمین، وسعت خاک، موقعیت سرزمین از نظر دسترسی به دریا یا مجاورت با سایر کشورها)، جمعیت و نیروی انسانی، ظرفیت صنعتی،

ترابری و ارتباطات، استعدادهای برتر، اختیارات و ابتکارات، موقعیت استراتژیک، ایدئولوژی، اخلاق اجتماعی، تأسیسات نظامی و انتظامی، خرد رهبری، روحیه ملی و...<sup>۳۵</sup>. این باشد این مجموعه از عوامل در کنار دو دسته دیگر از عوامل قبلاً اشاره شده انقلاب اسلامی ایران را در ردیف دارندگان سطوح بالایی از قدرت نرم قرار داده است.

امروزه قدرت نرم جمهوری اسلامی برخاسته از انقلاب اسلامی ایران از عراق گرفته تا لبنان، از افغانستان گرفته تا فلسطین، از پاکستان گرفته تا منتهای آسیای جنوب شرقی (در مالزی و اندونزی)، از یمن گرفته تا سودان، از ترکیه گرفته تا الجزایر، از خلیج فارس گرفته تا مصر، از قفقاز گرفته تا آسیای میانه، از آذربایجان تا تاجیکستان، از تاشکند تا بخارا و سمرقند به خوبی مشهود و عیان است. آنچه که باعث پایداری و مقاومت جمهوری اسلامی ایران در برابر فشارهای مهلك و سخت و کشنده قدرت سخت و نرم قدرتهای بزرگی نظیر ایالات متحده امریکا و اروپا در طول سی سال گذشته شده، عمق و غنای قدرت نرم انقلاب اسلامی ایران بوده است.

انقلاب اسلامی ایران با بهره‌مندی و بهره‌گیری از انقلابی با رسالت و پیامی جهان شمول، با جایگاهی ژئopolیتیک و ژئو استراتژیک، با مطرح ساختن عدالت، صلح، هویت و نفی ظلم و حمایت از مظلوم در اصول سیاست خارجی خود، با تلاش در جهت ایجاد وحدت و همبستگی میان امت اسلامی، با رهبری بیداری اسلامی و اسلام سیاسی در جهان اسلام و کل جهان، با اسلامی سازی و جهانی سازی مبارزه با صهیونیسم به جای عربی سازی و منطقه‌ای و محدود سازی شرایط، با تبدیل مقاومت به یک ارزش و اصل مقبول در روابط بین‌الملل، با نقش مثبت، سازنده و راهگشا در حل و فصل بحرانهای منطقه‌ای، با الهام بخشی به جنبش‌های اسلامی و حمایت از آنها، با بالابردن تولید ناخالص داخلی، میزان درآمد سرانه، سن امید به زندگی، میزان صادرات غیر نفتی، رشد شاخص‌های

فناوری و علمی، تعداد پژوهشگران و پژوهشگاه‌های نوین و مدرن، رشد شاخص‌های آموزشی در همه سطوح و به طور خاص در سطح آموزش عالی و... از دارندگان و صاحبان قدرت نرم تعیین کننده در روابط بین‌الملل و معادلات قدرت منطقه‌ای و داخلی است. تلفیقی از قدرت نرم و قدرت سخت، به تدریج انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی ایران را به یک قدرت منطقه‌ای بلامنازع و یک راهبر تمدنی قدرتمند، و با نفوذ و تأثیرگذار تبدیل کرده است. در این چشم انداز اقدام دانشگاه امام صادق(ع) در نشر آثاری از این قبیل راه‌گشا و موثر ارزیابی می‌شود که امید می‌رود استمرار یافته و ظهور گفتمان اسلامی- ایرانی را در پی داشته باشد.

محمد باقر خرمشاد

آبان ۱۳۸۸

پی نوشتها:

- 1- Joseph Nye, Jr., "Soft Power and Higher Education,"  
[www.educause.edu/ir/library/pdf/ffp05025.pdf](http://www.educause.edu/ir/library/pdf/ffp05025.pdf)
- 2- Ibid
- 3- جوزف نای، مزایای قدرت نرم، همشهری دیپلماتیک، ش، ۵۶، تیر ۱۳۸۲
- 4- [http://www.futurecasts.com/book %20 review%20-4.htm](http://www.futurecasts.com/book_review%20-4.htm).
- 5- Paul Kelly, "Soft option for hard heads", **The Weekend Australian**, Gune8 , 2002.
- 6- عبدالعلی قوام، "فرهنگ بخش فراموش شده و یا عنصر ذاتی نظریه روابط بین الملل"، سیاست خارجی، سال نوزدهم، ش، ۲، تابستان ۱۳۸۴ ، ص. ۲۹۱
- 7- ژولین فرونند، جامعه شناس ماسکس ویر، ترجمه عبدالحسین نیک گهر، انتشارات رایزن، ۱۳۶۸، ص. ۲۴۴.
- 8- جوزف نای، "مزایای قدرت نرم" ، پیشین.
- 9- هربرت شیلر، وسایل ارتباط جمعی و امپراطوری آمریکا، سروش، ۱۳۷۷، ص. ۱۰.
- 10- همان.
- 11- Geoffrey Kemp, "Iran and Iraq: The Shia Connection, Soft Power and the Nuclear Factor" , **USTP Special Report**, November 2005, p.156.
- 12- [www.etemademelli.ir/news/detail. php?ID=1659-32k](http://www.etemademelli.ir/news/detail.php?ID=1659-32k)
- 13- محمد حسین عادل، "قدرت نرم و قدرت سخت: نقش ایران" ، نشریه شرق، ۸۵/۶۱۲
- 14- Joseph S.Nye, Jr., "Soft Power: The Means to Success in World Politics", Book Discussion, Carnegie Council of Ethics and International Affairs, 04/13/2004.  
[http://www.carnegiecouncil.org/ViewMedia.php/prm\\_Template\\_ID/8/prmID/4466](http://www.carnegiecouncil.org/ViewMedia.php/prm_Template_ID/8/prmID/4466)
- 15- جوزف نای، "قدرت نرم" ، ترجمه محمود عسگری، راهبرد دفاعی، سال دوم، ش، ۶، زمستان ۸۳.
- 16- جوزف نای، "مزایای قدرت نرم" ، پیشین.

- 17- www."Soft Power"-Wikipedia, the free encyclopedia
- 18- جوزف نای، "مزایای قدرت نرم"، پیشین.
- 19- Joseph Nye, Jr., "Soft Power and Higher Education", Ibid.
- 20- Joseph S.Nye, Jr., "Soft Power: The Means to Success in World Politics", Ibid
- 21- عبدالرحمن عالم، بنيادهای علم سیاست، تهران، نشر نی، ۱۳۸۰، ص. ۹۰
- 22- <http://www.futurecasts.com/Book%20review%206-4.htm>
- 23- Joseph S.Nye,Jr., "Propaganda Isn't the Way:Soft Power", **The International Herald Tribune**, January 10,2003.
- 24- مراجعه شود به:
- پیتر کال ورت، انقلاب، ترجمه ابوالفضل صادق پور، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۸، ص ۵۸-۶۴. و جوزف فرانکل، روابط بین الملل در جهان متغیر، ترجمه عبدالرحمن عالم، دفتر مطالعات سیاسی و بین الملل وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۹، ص. ۲۲۵
- 25- محمد باقر خرمشاد، "انقلاب اسلامی ایران و بازتاب آن در رویکردی نظری"، **فصلنامه اندیشه انقلاب اسلامی**، شماره صفر، زمستان ۱۳۸۰، ص ۵۴-۳۱.
- 26- [www.Etemademelli.ir/news/detail.php?ID=1659-32k](http://www.Etemademelli.ir/news/detail.php?ID=1659-32k)
- 27- ژوژف اس. نای. جونیور، "فرهنگ و قدرت نرم در عصر اطلاعات"
- 28- ترجمه علی صباحی، بی جا، بی نا، بی تا.
- 29- <http://www.futurecasts.com/Book%20riview%206-4.htm>.
- 30- حسین سلیمی، فرهنگ گرایی، جهانی شدن و حقوق بشر، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۷۱، ص. ۶۹
- 31- محمد باقر خرمشاد، "فوکو و انقلاب اسلامی ایران: معنیت گرایی در سیاست"، متنی، شماره اول، سال اول، زمستان ۱۳۷۷، ص ۲۲۴-۲۰۹
- 32- Joseph S.Nye, Jr., "Soft Power: The Means to Success in World Politics", DP.cit

- ۳۳- جوزف نای، "قدرت نرم"، ترجمهٔ محمود عسگری، فصلنامه راهبرد دفاعی، سال دوم، ش. ۶، زمستان ۱۳۸۳، ص ۱۶۳-۱۴۷.
- ۳۴- جوزف نای، "کاربرد قدرت نرم" ترجمهٔ سید رضا میر طاهر، فصلنامه راهبرد دفاعی، سال دوم، شمارهٔ ششم، زمستان ۱۳۸۳.
- ۳۵- علی اصغر کاظمی، نقش قدرت در جامعه روابط بین الملل، نشر قدس، ۱۳۶۹، ص ۱۳۸.



## دیباچه

انقلاب اسلامی ایران – که گاه از آن تحت عنوان آخرین انقلاب قرن بیستم یاد می‌شود – از مهم‌ترین نقاط عطف در تاریخ قرن بیستم به حساب می‌آید. پیروزی انقلاب اسلامی ایران در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ به رهبری امام خمینی<sup>%</sup>: رویدادی است که معادلات سیاسی، نظامی و اقتصادی جهان را تحت تاثیر قرار داد و نظامهای سیاسی حاکم بر برخی از کشورها را زیر سوال برد. به تعبیر دیگر همانگونه که نیروی اسلام در نیمه اول سده اول هجری توانست در کمتر از یک ربع قرن چنان ضریب‌های بر یکی از دو قدرت بزرگ سده ششم میلادی که جهان را میان خود تقسیم کرده بودند و سالها در عرصه سیاست و فعالیتهای نظامی با هم درگیری داشتند، وارد کردند که یکی از آن دو دولت به کلی متلاشی شد و دیگری هرچند حدود هشت‌صد سال به حیات خود ادامه داد ولی از موضع دفاعی کشیده شد و در نهایت هم ضمیمه قلمرو مسلمانان گردید. نیروی معنوی که اسلام به کالبد یکی از قدرتهای شکست خورده در نیمه اول سده اول هجری یعنی ایران دمید، باعث شد که مردم در طی چندین سده بیشترین خدمت را به اسلام و تشویع داشته باشند و در میانه سده چهاردهم هجری شمسی بار دیگر مردم ایران به اتکای نیروی اسلام توانستند تحولی در جهان به وجود آوردنند که منجر به ضعف و ناتوانی و حتی انهدام برخی نظامهای سیاسی چیزگرا که دین را افیون ملت‌ها می‌دانست،

گردید و برای همیشه خط بطلانی بر اندیشه‌های سیاسی آنها کشید. همچنین موجب شد که دولتهای غربی هم در معیارهایی که سالها به عنوان یک اصل مسلم در سیاست خارجی خود بر آن تکیه داشتند، تجدیدنظر کنند. همان طور که برخی از کشورهای اسلامی هم که شرایط مشابهی با ایران داشتند، وقتی مشاهده کردند نیروی مردمی می‌تواند قدرت رژیمهای تا بن دندان مسلح را در یکی از حساس‌ترین مناطق یعنی خاورمیانه واژگون سازد، شگفت‌زده شاند و احساس خطر کردند. گرچه پیشینه مبارزات نیروهای مذهبی ایران برای جلوگیری از مداخله استعمارگران خارجی و مستبدان داخلی حداقل به بیش از یک سده پیش از پیروزی انقلاب اسلامی می‌رسد و آیت الله میرزا شیرازی صاحب فتوای تحریم تباکو، سید جمال الدین اسدآبادی، شهید مدرس و... با دخالت استعمارگران در امور داخلی ایران و مستبدان مبارزه کردند، ولی حرکت منسجم مردم ایران برای پیروزی انقلاب اسلامی ایران از خرداد ماه ۱۳۴۲ آغاز شد و پس از تحولاتی که در مدت ۱۵ سال در ایران رخ داد، زمینه را برای پیروزی فراهم کرد و انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی؛ پیروز گردید.

تفاوت این حرکت اخیر با آنچه پیش از آن رخ داد این بود که جنبش اسلامی مردم ایران که از خرداد ماه ۴۲ آغاز شد، از پشتونه قوی مردمی برخوردار بود و با نفوذ معنوی ای که رهبران دینی در جامعه داشتند، توانستند با سازماندهی مردم، حرکتهای سیاسی سردمداران وقت را خشی نمایند و سرانجام باعث پیروزی انقلاب اسلامی شوند.

به اعتراف ناظران، قدرت نرم انقلاب اسلامی ایران نه تنها در کشورهای اسلامی بلکه در سایر کشورها هم تأثیرگذار بوده است. بسیاری از جنبش‌های دینی سیاسی که در حال مبارزه با نظامهای استبدادی حاکم کشور خود هستند، از مبارزات مردم ایران الگو گرفته و می‌گیرند. مبارزان بخشی از کشورها به سبب شباهت شرایط سیاسی مذهبی حاکم، با ایران پیش از انقلاب اسلامی برای دستیابی به اهداف خود جدی‌تر وارد عمل شده‌اند.

با توجه به آنکه انقلاب اسلامی ایران مولود قدرت نرم است در راستای سند چشم انداز ۲۰ ساله، جمهوری اسلامی ایران می باید در جهان اسلام الهامبخش، فعال و مؤثر باشد و با تحکیم الگوی مردم سalarی دینی، توسعه کارآمد، جامعه اخلاقی، نوآندیشی و پویایی فکری و اجتماعی، بر همگرایی اسلامی و منطقه‌ای - براساس تعالیم و اندیشه‌های امام خمینی - تأثیر بگذارد به همین منظور، از آنجاکه ایران با کشورهای خاورمیانه روابط فرهنگی - تاریخی، سیاسی و اقتصادی دیرینه دارد، می تواند با بهره گیری از قدرت نرم خود - که نسبت به قدرت سخت کم هزینه‌تر بوده و از عمق و نفوذ بیشتری برخوردار است - به خواسته‌های خود برسد و با ارتقای قدرت نرم خود و تقویت مولفه‌های آن به منافع ملی نیز دست یابد. بر این اساس، تلاش این اثر بر آن است که قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران را به ویژه در بعد از انقلاب اسلامی مورد بررسی قرار دهد.

در این راستا، پیش از بحث در خصوص قدرت نرم ایران، به نظریه قدرت نرم و مفاهیم پیرامون آن، بررسی دیدگاههای موافقان و مخالفان اهمیت آن، اشاره کردۀایم که محتوای فصل اول، به این مباحث اختصاص یافته است. از سوی دیگر در فصل دوم، بر اساس نظریه سه بعدی قدرت نرم، قدرت نرم ایران مورد بررسی قرار گرفته است و اما در فصل پایانی کتاب، به بررسی جداگانه نظریه سه بعدی قدرت نرم ایران درکشور لبنان که جزء غنی ترین و حساس ترین قسمت از تأثیرات منطقه‌ای و جهانی انقلاب ایران می‌باشد، پرداخته شده است.

امید می‌رود انتشار این کتاب وسیله‌ای جهت تبیین هر چه بهتر یکی از ابعاد و جنبه‌های تاثیرگذار جمهوری اسلامی بوده، چراگی را فرا روی پویندگان راه شناخت افلاط اسلامی روشن نماید و با توجه به مزايا و اهمیت فراوان این موضوع و تأثیر آن (در سطح داخلی و بین المللی)، آغازی برای بررسی بیشتر در این زمینه، درسطوح دانشگاهی و اجرایی کشور باشیم. در پایان برخود لازم می‌دانم که از پدر عزیز، مادر مهربان و همسر فدایکارم و از راهنمایی استاد

ارجمند جناب آقای دکتر محمد باقر خرمشاد، جناب آقای دکتر اصغر افتخاری و  
انتشارات دانشگاه امام صادق ع که بنده را در تدوین و تالیف این کتاب یاری  
نمودند، کمال تشکر و قدردانی را داشته باشم.

و من الله التوفيق

مهری بیکی - اسفند ۱۳۸۷  
[Beykimehdi@yahoo.com](mailto:Beykimehdi@yahoo.com)

---

## فصل اول

---

چار چوب مفہومی - نظری



## کلیات

بیش از چهار قرن پیش، نیکو ماکیاولی<sup>\*</sup> به شاهزادگان ایتالیایی این گونه گفت: «این که از شما بترسند مهمتر است از اینکه شما را دوست داشته باشند.» اما در دنیای امروز بهتر است که به هر دو توجه کنیم غلبه یافتن بر قلبه و افکار همواره مهم بوده، اما اهمیت آن در عصر اطلاعات دو چندان شده است. داشتن اطلاعات، قدرت است و فناوری مدرن اطلاعات باعث گسترش اطلاعات بیش از هر زمان دیگری در تاریخ شده است.<sup>1</sup> در واقع قدرت نرم یک پدیده مورد نیاز روزمره در سیاست است و در یک کلام، قدرتی است که محصول و برآیند تصویرسازی مثبت از خود، ارائه چهره موجه از خود، کسب اعتبار در افکار عمومی داخلی و خارجی و تاثیرگذاری غیرمستقیم توام با رضایت بر دیگران، اراده دیگران را تابع اراده خود کردن و کسب آرام موفقیت و ایجاد صمیمیت و مولفه‌هایی نظیر آن است.

### ۱. مفاهیم

#### ۱-۱. قدرت

مفهوم قدرت<sup>2</sup>، مفهوم اساسی نظریه جدید سیاسی است. به عقیده برخی از

---

\* Niccolo Machiavelli  
2 .power

محققان سیاسی، علم سیاست، کسب و حفظ قدرت سیاسی است. بسیاری از سیاست شناسان، روابط قدرت را هسته سیاست می دانند و می گویند: آنچه روابط سیاسی انسانها را از دیگر روابط آنها متمایز می کند، قدرت است. در ابتدا پیش از تعریف قدرت نرم می باید واژه قدرت را معنا کنیم که بی شک تعریف دقیق از آن دشوار است.

به نظر جوزف نای قدرت از جهاتی مانند آب و هوای می باشد. همه به آن مربوط هستند و در مورد آن صحبت می کنند، اما فقط عده کمی آنرا می فهمند. همانطور که کشاورزان و هواشناسان سعی در پیش بینی وضع هوا را دارند، رهبران و تحلیلگران سیاسی نیز سعی دارند تا تغییرات در روابط قدرت را توصیف و یا پیش بینی کنند. همچنین قدرت شبیه عشق و دوست داشتن نیز می باشد؛ تجربه کردن آن ساده‌تر از تعریف یا اندازه‌گیری آن است، اما کمتر کسی را می توان یافت که واقعیت آن را منکر شود.<sup>۲</sup>

بنا بر گفته دال، واقعیت نخستین و مهمی که باید درباره قدرت دانست، این است که نه در زبان روزمره و نه در علم سیاست، توافقی درباره دانش و ایزه‌ها و تعریف‌های قدرت وجود ندارد. واژه قدرت گاه با اقتدار، نفوذ، زور، اجبار یا ترغیب مترادف دانسته می شود.

پژوهشگران سیاسی، بسته به ایدئولوژی و جهان بینی خود، تعریف‌های گوناگونی از قدرت به دست داده اند. عبدالرحمان عالم برخی از آنها را فهرست وار چنین آورده است:

«ماکس وبر: قدرت، امکان خاص یک عامل (فرد یا گروه) به خاطر داشتن موقعیتی در روابط اجتماعی است که بتواند گذشته از پایه انتکای این امکان خاص، اراده خود را با وجود مقاومت به کار بندد.

### فصل اول: چارچوب مفهومی-نظری ■ ۳۱

گرین: قدرت به طور ساده حد توانای کتسول دیگران است؛ به طوری که عملی را که از آنها خواسته شده است، انجام دهنده.

لاسول: قدرت، مشارکت در تصمیم‌گیری و رابطه‌ای میان فردی است.

مورگتا: منظور از قدرت سیاسی اشاره به کتسول در روابط مقابل دارندگان اقتدار عمومی و میان اقتدار عمومی و عame مردم است. [همچنین در] تعریفی دیگر از او، توانایی انسان بر ذهن‌ها و اعمال دیگران، قدرت است.

هربرت گلدهامر و ادوارد شیلد: قدرت، توانایی تأثیر گذاردن بر رفتار دیگران بنا به هدفهای یک شخص است.

شوارزنبرگر: قدرت، توانایی تحمل اراده مان است بر دیگران، به انکای ضمانت اجرای مؤثر در صورت عدم قبول.

مک آیور: منظور از داشتن قدرت، توانایی تمرکز، تنظیم یا هدایت رفتار اشخاص یا کارهاست.<sup>۳</sup>

دال نیز قدرت را پدیدآوردن آثار مطلوب تعریف کرد. به نظر وی، قدرت مفهومی است کمی. اگر دو فرد را که دارای خواسته‌های مشابه باشند، در نظر بگیریم، هرگاه یکی از آنها بر همه خواست آن دیگری دست یابد، به اضافه خواسته‌ای دیگر، این شخص از دیگری بیشتر قدرت دارد.<sup>۴</sup> وی در همین باره می‌گوید:

«به طور کلی قدرت به معنی توانایی نفوذ در رفتار دیگران برای گرفتن نتیجه مطلوب است. راههای متعددی برای این تأثیرگذاری وجود دارد؛ مانند تهدید، متقاعد کردن از طریق برداخت مالی یا جذب دیگران و همکاری با آنها. گاهی می‌توان بدون دستور دادن، بر رفتار دیگران تأثیر گذاشت. اگر

توانید این باور را القا کنید که اهدافتان مشروع است، می‌توانید بدون استفاده از تهدید به هدفتان برسید. مثلاً کاتولیک‌ها نه به خاطر تهدید، بلکه به خاطر احترام به پاپ، تعلیمات او را عمل می‌کنند. سیاستمداران و مردم عادی اغلب قدرت را به عنوان داشتن توانایی نفوذ بر نتیجه کار معنی می‌کنند. کسی که اقتدار، شرود یا شخصیت جاذبی دارد، قادرمند خوانده می‌شود. براساس این تعریف، در سیاست بین‌الملل، ما کشوری را قادرمند می‌دانیم که جمعیت زیاد، خاک گسترده، منابع طبیعی فراوان، قدرت اقتصادی، نیروی نظامی و ثبات اجتماعی دارد. برتری این تعریف دوم این است که قدرت را مشخص تر، قابل اندازه‌گیری و قابل پیش‌بینی می‌کند. در این معنا، قدرت به معنای داشتن کارتهای برنده در یک بازی است. اما هنگامی که قدرت به عنوان مترادف برای منابعی که آن را تولید می‌کنند، تعریف شود، می‌تواند در تقابل با این دیدگاه باشد که تاکید دارد دسته‌ای که بیشترین قدرت را در اختیار دارند، همواره به آنچه مدنظر دارند، دست نخواهند یافت. برای مثال، در مورد منابع، ایالات متحده تنها ابرقدرت جهان در سال ۲۰۰۱ محسوب می‌شد، اما توانست از فاجعه ۱۱ سپتامبر جلوگیری کند. تبدیل منابع به قدرتی واقعی به شکلی که بتوان نتیجه دلخواه را از آن گرفت، نیاز به راهبردهایی درست و حاکمیتی قدرتمند دارد. از آنجایی که راهبردها عموماً ناکافی و حاکمان اغلب از قضاوت مناسبی برخوردار نیستند، شاهد هیتلر ۱۹۴۱ و صدام دهه نود هستیم. سنجش قدرت براساس منابع اگرچه ناکامل، اما دست آوردی مفید است. درک این نکته که کدام منبع بهترین پایه را برای رفتار قدرت در زمینه‌ای به خصوص تأمین می‌کند، حائز اهمیت است. نفت تا پیش از انقلاب صنعتی و اورانیوم تا

پیش از دوره معاصر منابع تعیین کننده‌ای به شمار نمی‌آمدند. منابع قدرت بدون شناخت زمینه و شرایط موجود قابل ارزیابی نیستند. در بعضی مواقع آنها بیکاره که مدیریتی بر عهده دارند، نیرویی تحت فرمان دارند و یا سرمایه‌ای در اختیار دارند، قادر تمندترین افراد محسوب نمی‌شوند. اینجاست که انقلاب‌ها معنی می‌یابند».<sup>۶</sup>

از تعریف‌های پیش گفته، سه نکته را در مفهوم قدرت می‌یابیم:  
اول. قدرت، توانایی تحمیل اراده است، به رغم مقاومت دیگران.  
دوم. قدرت، رابطه دارندگان اقتدار و تابعان آن است.  
سوم. قدرت، مشارکت در تصمیم‌گیری است.

«به طور کلی قدرت به معنای توانایی عملی کردن خواست‌ها به رغم مخالفت دیگران است؛ البته اگر چنین مخالفتی وجود داشته باشد. حتی لاسول که قدرت را مشارکت در تصمیم‌گیری می‌داند، موافق است که اعمال و اندیشه‌ها فی نفسه قدرت نیستند و برای اینکه به قدرت تبدیل شوند، اعمال کنندگان قدرت باید اطاعت کنندگانی بیابند و آنها را وادارند تا در راه حل و رفع مسائل عمل کنند. قدرت در واقع روند تأثیر بر سیاست‌ها و اعمال دیگران (افراد، گروه‌ها و احزاب، حکومت‌ها و دولت‌ها) از راه محروم‌سازی (واقعی یا تهدیدی) در شرایط مخالفت و عدم همراهی با سیاست‌های مورد نظر است. اما این سخن بدان معنا نیست که قدرت همواره مبنی بر خشونت و زور است، بلکه ممکن است بر ایمان و وفاداری، عادت و بی‌تفاوتی یا بر منافع نیز استوار باشد. قدرت کنترل و مهار مؤثر دیگران است اما ابزار مؤثر این مهار ممکن است متعدد و متنوع باشد. به طور کلی علم سیاست (در همه اشکال) به قدرت توجه دارد»<sup>۶</sup>

بنابراین، قدرت عبارت است از توانایی فکری و عملی برای ایجاد شرایط و نتایج مطلوب. شکل‌ها و سطوح این توانایی متفاوت است؛ بدین بیان که هم

تحمیل اراده را دربر می‌گیرد، هم به رابطه کسانی که می‌خواهند و یا باید نتایج مطلوب را به بار آورند، اشاره می‌کند و هم انواع مشارکتهای سیاسی و مسالمت‌آمیز یا غیر مسالمت‌آمیز افراد، گروه‌ها و احزاب، حکومت‌ها و دولتها را شامل می‌شود. توانایی هر کدام از این نیروهای اجتماعی - سیاسی برای ایجاد شرایط و نتایج مورد خواست خود در عرصه سیاستهای داخلی و خارجی قدرت، مربوط به آن نیروست. بنابراین از قدرت فرد، قدرت گروه یا حزب، قدرت حکومت، یا از قدرت یک دولت می‌توان نام برد. این نیروها در عرصه مبارزه سیاسی، داخلی یا خارجی، در برابر نیروهای دیگر - که آنها هم می‌توانند افراد، گروه‌ها و احزاب، حکومت‌ها و دولتها باشند - توانایی فکری و عملی خود را به کار می‌بنند تا به اهداف خود برسند.

#### ۱-۲. نفوذ

قدرت با نفوذ برابر نیست. به گفته دال: «نفوذ عبارت از رابطه میان بازیگرانی است که در آن یک بازیگر، بازیگران دیگر را وادر می‌کند به طرقی که خواست خود آنها نیست، عمل کنند». برای مثال، بچه در رفتار والدین خود نفوذ دارد. اما این گونه نفوذ، با قدرت در کارکرد سیاسی همسان نیست. عنصر مهم مفهوم قدرت، «توانایی» تعیین رفتار دیگران طبق «خواستهای کسی به رغم مخالفت» است. قدرت به گفته لاسول، صورت خاصی از اعمال نفوذ است. برای به وجود آوردن شرایط و نتایج مطلوب توسط دیگران، باید به قابلیت دستیابی و استفاده از ضمانت اجرایها توجه کرد.<sup>۷</sup>

برخلاف تصور، به نظر نای قدرت نرم با نفوذ یکسان نیست؛ زیرا نفوذ می‌تواند بر قدرت سخت، تهدید و یا تطمیع متکی باشد، درحالی که قدرت نرم براساس جذابیت و کشش بوده<sup>۸</sup> و چیزی بیش از ترغیب و یا توانایی به تهییج مردم است، اگرچه این موارد بخش مهمی از قدرت نرم را شامل می‌شود.<sup>۹</sup>

«می‌توان گفت که قدرت به اوضاع بستگی دارد؛ یعنی اینکه کسی که در اوضاعی در جای معینی قدرت دارد، ممکن است در همه اوضاع و احوال و همه جاها قدرت نداشته باشد. ممکن است سیاستمداری توانایی نفوذ بر رفتار رأی دهنده‌گان به خود را داشته باشد، اما هیچ توانایی برای نفوذگذاری بر همتایان خود در هیئت وزیران نداشته باشد. ممکن است پدری توانایی نفوذ بر رفتار فرزندان خود را داشته باشد، اما نفوذگذاری بر کارفرمای خود را نداشته باشد. بدین ترتیب، کسی که در موقعیتی یا در جایی قادرتمند است، در موقعیت یا جای دیگری ممکن است قدرت نداشته باشد. درباره رابطه نفوذ و قدرت این طور هم گفته‌اند که زمانی که نفوذ را افرادی اعمال کنند که فاقد اقتدار هستند، همان قدرت است».

نیک پیداست که میان قدرت و نفوذ و رهبری، یا تدوین و اجرای سیاست، ارتباط تنگاتنگی وجود دارد. بدون قدرت، رهبری کردن امکان ندارد و درواقع رهبری شامل آن قسمت از قدرت است که توسل مستقیم به افراد را برای پشتیبانی از طریقه عمل معین در بر می‌گیرد. رهبری عبارت است از آن بخش از شیوه‌های بالقوه در اختیار فردی که سعی دارد اعمال قدرت کند. ... ما می‌توانیم به رهبری و نفوذ به عنوان قسمت‌هایی مشخص از قدرت نگاه کنیم.<sup>۱۰</sup>

### ۱-۳. قدرت نرم

برخی اعتقاد دارند قدرت، توانایی و ظرفیت انجام کارهاست. به نظر گروهی دیگر نیز قدرت، توانایی کسب نتایج دلخواه است. پاره‌ای نیز بر این باورند که قدرت، تأثیر بر رفتار دیگران است؛ آن گونه که آنچه می‌خواهیم، اتفاق بیفتد. به نظر می‌رسد در این میان، تعریف سوم جامع‌تر باشد. در یک طبقه بندی، قدرت به دو نوع سخت و نرم تقسیم می‌شود. جوزف نای، تحلیل‌گر آمریکایی بر این باور است که هرچند قدرت نرم و سخت در هم